



جلسه سی ام - درس خارج مهدویت - ۴ / ۱۰ / ۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا روحی
وارواح من سواه لتراپ مقدمه الفداه.

مقدمه

بحث درباره حکومت اولیاء بعد از امام زمان ۴ بود. برخی مدعی بودند که حکومت اولیاء به دست اولاد امام زمان
است. ادله ای ارائه دادند که عمده آن ها، روایت شیخ طوسی بود. این روایت، مشکل سندی داشت. البته به دلیل
دیگری که از ادعیه بود، تمسک کردند که عرض کردیم در آن دعا عبارت بصورت، «الائمه من بعده» است نه «الائمه
من ولده». ظاهراً عبارت «من ولده» در دعای دیگری، وارد شده است.

جزیره خضراء

هر چند، صاحب کتاب تاریخ ما بعد الظهور، جهت اثبات اولاد برای امام زمان ۴ به جزیره خضراء تمسک نکرده ولی
بعضی، برای اثبات اولاد به جزیره خضراء هم استناد کرده اند.

[قبلاً اشاره شد که] مرحوم تستری در قاموس الرجال، این جریان را مجعول و موضوع می داند. پذیرش اصل
جریان جزیره خضراء به معنای قبول وجود اولاد برای امام زمان ۴ در دوران غیبت است. این فرزندان حضرت

مهدی ۴ در بعضی از مناطق دور دست دنیا، مشغول حکومت هستند. ظاهراً مرحوم نوری به این جریان اعتماد دارد هر چند مخالفین این موضوع، کم نیستند.

بیان کاشف الغطاء در مورد جزیره خضراء

مرحوم کاشف الغطاء در کتاب الحق المبین خود، ضمن اعتراض و گله از کسانی که به هر روایتی استناد می کنند می فرماید:

« ومنها: اعتمادهم على كل رواية حتى إن بعض فضلائهم رأى في بعض الكتب المهجورة الموضوع لذكر ما يرويه القصاص من إن جزيرة في البحر تدعى الجزيرة الخضراء فيها دور لصاحب الزمان فيها عياله وأولاده فذهب في طلبها حتى وصل إلى مصر، فبلغه إنها جزيرة فيها طوائف من النصارى وكأنه لم ير الأخبار الدالة على عدم وقوع الرؤية من أحد بعد الغيبة الكبرى ولا تتبع كلمات العلماء الدالة على ذلك.

بعضی به هر خبری، اعتماد می کنند. حتی بعضی از فضلاء - ظاهراً منظورش اخباری هاست- اموری را که در بعضی از کتب متروک و کنار گذاشته شده می یابند و چیزی را که داستان سراها و قصه گوها نقل می کنند که در دریاها جزیره ای هست که نامش جزیره خضراء است و در آن جزیره خانه هایی برای امام زمان و همسر و فرزندان او می باشد، اینها را نقل می کنند... [کسانی که چنین مطالب بی اساسی را نقل می کنند] گویا، روایاتی را که می فرمایند: در دوران غیبت کبری، رؤیت امام زمان میسر نیست، ندیده اند [البته منظورشان ملاقات های اختیاری است] و حرفهای علماء را هم، که بر همین معنا دلالت دارند، تتبع نکرده اند.

*بعضی باز تمسک به کلمات بعضی از علماء برای اثبات جزیره خضراء می کنند. ما اجمالاً، کلمات آن علماء را اشاره می کنیم ولی باید بدانیم که قصه جزیره خضراء از حد یک داستان خارج نیست. نمی توان گفت یک روایت است و با آن معامله روایت نکنیم. بلکه داستانی است که یک داستان سرا نقل کرده و علماء هم در برابر آن، موضع گرفته اند.

بیان علامه مجلسی در مورد جزیره خضراء

بعضی می گویند این داستان در بحارالانوار، آمده است. علامه مجلسی، مؤلف کتاب شریف بحارالانوار همان ابتدای این قصه، می فرماید:

«أقول وجدت رسالة مشتهرة بقصة الجزيرة الخضراء في البحر الأبيض أحببت إيرادها لاشتمالها على ذكر من رآه و لما فيه من الغرائب و إنما أفردت لها باباً لأنني لم أظفر به في الأصول المعتبرة و لنذكرها بعينها كما وجدتها»^[1] [ftn1_#]

کتابچه ای به دست آوردم مشتمل بر داستان مشهور جزیره خضراء در دریای سفید. من نیز آن را ذکر می کنم زیرا مشتمل بر ذکر کسانی است که آن حضرت را دیده اند و هم بخاطر این که متضمن امور غریبی است، آن را در یک باب مستقل قرار دادم زیرا این داستان را در کتاب معتبری نیافتم بنابراین همان طور که یافته ام در این جا بیان می کنم.

جزیره خضراء در حدیقه الشیعه

صاحب کتاب حدیقه الشیعه^[2] [ftn2_#]، این جریان را در جلد دوم کتاب خود بیان می دارد. مشکلی که در این جا وجود دارد این است که انتساب این کتاب به مقدس اردبیلی معلوم نیست بنا براین اول، باید چنین انتسابی، معلوم گردد تا بعد، درباره جریان مذکور صحبت گردد.

جزیره خضراء در إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات

مرحوم حر عاملی، جریان جزیره خضراء را در کتاب اثبات الهداه خود ذکر می کند. اگر جریان جزیره خضراء مورد اعتنای حر عاملی بود، اولاً: باید، آن را در کتاب وسائل تقطیع کرده و بیان می کرد چون این قصه، احکام و مستندات شرعی - مثل خمس - دارد، لاقلاً، فقرات مربوط به بحث خمس را باید در وسائل ذکر می کرد. ثانیاً: مرحوم حر عاملی می گوید:

«قد أوردها بتمامها مؤلف بحار الأنوار، اقتصرت منها على محل الحاجة و هو ما تضمن معجزا للمهدي عليه السلام و كذا ما قبلها و ما بعدها من الحكايات و الأحاديث، ميلا إلى الاختصار ثم قال مؤلف البحار: و لنلحق لتلك الحكاية بعض الحكايات التي سمعتها عن قرب من زماننا»^[3] [ftn3_#]

این قصه را من از بحارالانوار نقل می کنم (جناب حر عاملی و علامه مجلسی، با هم معاصر بوده اند) ولی همه آن را نقل نمی کنم بلکه به مقدار نیاز، بیان می کنم. پس به گونه ای نبوده که بصورت مستقل بیان کرده و در وسائل به آن اعتماد نمایند.

جزیره خضراء در بیان وحید بهبهانی

بعضی قائلند که مرحوم وحید بهبهانی بر این قصه اعتماد کرده است. بنابراین کلام ایشان را در حاشیه بر مدارک الاحکام، ذکر می کنیم تا صحت و سقم چنین نسبتی معلوم گردد. جناب وحید بهبهانی در بحث حرمت نماز جمعه در دوران غیبت امام زمان^۴، ادله ای را ذکر می کنند و می فرمایند:

«هذا مضافا إلى الإجماعات المنقولة الكثيرة جدًا المتأيدة بالآثار و الاعتبار التي أشرت إليها في الرسالة (مع أنَّ المنقول بخبر الواحد يشمله ما دل على حجية خبر الواحد) و من الآثار حكاية المازندراني الذي وصل إلى جزيرة صاحب عليه السلام و هي تنادي بالاختصاص بالإمام و منصوبه»^{[۴]. [ftn4_#]}

[علاوه بر آن روایات]، اجماعات منقوله زیادی [اجماعات مدرکی یا محتمل المدركية] که بوسیله آثار تایید شده است [دلیل بر همین مطلب است]، و از آن آثار، خبر حکایت مازندرانی است که به جزیره امام زمان^۴ برخورد می کند و در این حکایت، با صدای بلند اعلام می کند که اقامه نماز جمعه از اختصاصات امام معصوم یا شخص منصوب از ناحیه ی اوست.

* آثار غیر از روایت است. اثر، یعنی بعضی کلمات و عبارات را که روایت نیست به عنوان مؤید می آورند که مفاد آن آثار، حرمت نماز جمعه در زمان غیبت است. پس حد اعتبار آن فقط به عنوان مؤید است. اگر روایت بود، مؤید نبود و خودش دلیل بود. پس مرحوم وحید بهبهانی در حد مویده، آن هم به عنوان یک اثر چنین مطلبی را نقل کرده اند ولی بعضی می گویند که ایشان به این قصه اعتماد کرده است.

جزیره خضراء در بیان سید بحرالعلوم

سید بحرالعلوم در فوائدالرجالیه خود می فرماید:

«و فی قصّة جزيرة الخضراء و البحر الأبيض و هي حكاية طويله أوردها العلامة المجلسي في كتاب الغيبة من البحار ما يدل على فضل عظيم للسيد... لو صح النقل»^{[۵]. [ftn5_#]}

* جناب بحرالعلوم می فرماید: اگر این خبر صحیح باشد، پس ما چگونه، بیانی را به بزرگان نسبت می دهیم؟ یا عبارات شان را ندیده ایم و یا می خواهیم تمویه و حقایق را مخفی کنیم. اگر ندیده ایم مراجعه کنیم و دوباره حرفشان را ببینیم تا فردای قیامت گرفتار نشویم.

جزیره خضراء در بیان مرحوم تستری

آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه (ج ۵ ص ۱۰۶) راجع به کتابی در موضوع اثبات وجود صاحب الزمان- که در این کتاب، قصه جزیره خضراء هم نقل شده است - آورده است که مرحوم قاضی شوشتری فرموده اند: «و هی رسالة جلیلة یجب علی المؤمنین محافظتها» کتاب ارزشمندی است باید توسط مؤمنین نگهداری شود.

* بعضی مدعی هستند که قاضی نور الله شوشتری فرموده اند: بر هر مؤمنی محافظت بر این کتاب - جریان جزیره الخضراء - لازم است. ایشان در کجا چنین مطلبی را فرموده اند؟ آیا ایشان راجع به جزیره خضراء این گونه گفته اند؟

ایشان چه چیز را تأیید کرده اند؟ کتاب را یا داستان را؟ یعنی اگر کسی فرمود فلان کتاب ارزشمند است و از آن نگهداری کنید، آیا بدین معناست که سطر سطر و کلمه کلمه آن مورد وثوق است؟ خیر! بلکه من حیث المجموع معتبر است.

کتاب اثبات وجود امام زمان، مؤلفش مرحوم محمد بن اسد الله شوشتری است که به دستور سلطان صاحب قران، آن را تألیف کرده است که مرحوم قاضی نورالله تستری هم، چنین عبارتی را در رابطه با کتاب فرموده اند هر چند بعضی می گویند، عبارت «و هی رسالة جلیلة یجب علی المؤمنین محافظتها»

کلام قاضی نور الله شوشتری نیست بلکه بیان شمس الدین محمد بن اسد الله شوشتری است که در این صورت اصل انتساب هم جای تردید و بحث است.

مرحوم شبر و جزیره خضراء

بعضی گفته اند سید شبر - بخاطر همین نقلها - ادعای تواتر در این قصه کرده است.

آن چه می توان گفت این است که: اولاً: کتاب ایشان به دست ما نرسیده است. ثانیاً: شاید در آن کتاب در مقام رد چنین جریانی بر آمده است. الان هم در نوشته های بعضی از معاصرین بزرگی که کتاب راجع به جزیره خضراء نوشته اند، موجود است ولی در مقام رد و نقد قضیه، کتاب نوشته اند. پس صرف اینکه مرحوم شبر، کتابی در این زمینه دارد، نمی توان او را جزء مؤیدین قرار بدهیم.

جزیره خضراء در بیان الذریعه

مرحوم اقا بزرگ تهرانی در الذریعه درباره این جریان، انصافا سنگ تمام گذاشته‌اند. ایشان در پاورقی الذریعه، جلد پنج - پاورقی از خودشان است- به جزئیات این موضوع پرداخته‌اند. ایشان می‌فرمایند:

« وبالجملة لم تصل هذه الحكاية إلينا الا بالوجادة (این حکایت، اصلا سندی ندارد، وجاده است، یعنی آن را یافته ایم) ولم نعرف من أحوال الحاكي لها الا أنه كان رجلا محترما في ذلك المجلس، و قد اشتمل سندها على عدة تواريخ تناقض ما في متنها واشتمل متنها على أمور عجيبة قابلة للانكار (سند این جریان مشتمل بر چند تاریخ است که با هم تناقض دارد و متن آن محتوی امور عجیبه ای است که قابل انکار است.) و ما هذا شأنه لا يمكن أن يكون داعي العلماء من ادراجه في كتبهم المعتمدة. بيان لزوم الاعتماد عليها أو الحكم بصحتها مثلا أو جعل الاعتقاد بصدقها واجبا حاشاهم عن ذلك (چنین چیزی جای انکار دارد که نپذیریم، پس اگر اینگونه است چرا بعضی از علماء نقل کرده اند؟) انگیزه علماء از نقل این قصه در کتاب هایشان، اعتماد و قبول آن نبوده است، زیرا که شأن شان اجل از این است.)

بل انما غرضهم من نقل هذه الحكايات مجرد الاستيناس بذكر الحبيب وذكر دياره، والاستماع لآثاره مع ما فيها من رفع الاستبعاد عن حياته في دار الدنيا، وبقائه متنعما فيها في أحسن عيش وأفره حال، بل مع السلطنة والملك له ولا ولادة، واستقرارهم في ممالك واسعة هيأ، الله لهم لا يصل إليها من لم يرد الله وصوله (بلکه غرض علماء از نقل چنین داستان هایی، ذکر نام و یادی از حضرت است و می‌خواهند روی این نکته تأکید کنند که حیات طولانی امام و بقاء امام ایراد و استبعادی ندارد و اینکه آن حضرت، زندگی شان خوب و دارای حکومت و کسی را که خدا نخواهد به آنجا نمی‌تواند برسد.)

وقد احتفظ العلماء بتلك الحكايات في قبال المستهزئين بالدين بقولهم (لم لا يخرج جليس السرداب بعد الف سنة وكيف تمتعه بالدنيا وما اكله وشربه ولبسه وغيرها من لوازم حياته) وهم بذلك القول يبرهنون على ضعف عقولهم (و علماء چنین حکایاتی را آورده اند تا حرف کسانی را که استهزاء به دین می‌کنند - مثل اینکه: چرا کسی که در سرداب نشسته بیرون نمی‌آید مثل وهابی‌ها- باطل سازند)

فمن كان عاقلا مؤمنا بالله ورسوله وكتابه يكفيه في اثبات قدرة الله تعالى على تهينة جميع الأسباب المعيشة في حياة الدنيا له عليه السلام قوله تعالى في الصفات (آية - ١٤١) (ولولا أنه كان من المسبحين للبث في بطنه (الحوت) إلى يوم يبعثون) الصريح في أن يونس لو لم يكن من المسبحين لكان يلث في بطن الحوت على حاله إلى يوم يبعث سائر البشر. فأخبر الله تعالى بقدرته على ابقاء الحوت الذي التقم يونس، وعلى ابقاء يونس على حاله في بطنه، ولبثه فيه كذلك إلى يوم بعث الناس، واحتمال إرادة موت يونس بأزهاق روحه ولبث جسده في بطن الحوت إلى يوم بعثه وحيائه مخالف للظاهر من جهات كما لا يخفى»[٦]. [ftn6_#] (کسی که اعتقاد داشته باشد، برای او کفایت می‌کند نقل برخی مسائل مثل همین مسأله و باز کفایت می‌کند بر او این آیه شریفه، «لو لا كان من المسبحين للبث في بطنه الى يوم يبعثون» این آیه صراحت دارد بر قدرت خداوند متعال بر زنده نگه داشتن شخصی در شکم حوت تا روز قیامت. وقتی خود آیه اشاره دارد، چه استبعادی دارد از اینکه، حضرت مهدی در همین دنیا و زنده در شکم حوت باشد، تا خداوند عزوجل به او اذن ظهور بدهد.

* پس صاحب الذریعه، جریان را اینگونه نقل کرده و زیر سوال می‌برند.

مرحوم آقای خوئی قبل از رحلت شان، دو کتاب استفتائات به نام های: منیة المسائل و مسائل و ردود از ایشان چاپ شده است. در کتاب مسائل و ردود از ایشان سوال می شود که: که در جریان جزیره خضراء، خمس برای شیعه، مباح شده. نظر شما چیست؟ ایشان صریحاً، جزیره خضراء را رد می کند. آقای خوئی می فرماید: «الرواية المذكورة ليست معتبرة» (جریان جزیره خضرائی که شما گفتید اعتبار ندارد) «و قد وردت الروایات المعتبرة أيضاً» (ما روایات معتبر هم داریم که مفادش این است که خمس مباح است) «لكن لم یکن مفادها الحلیة للمکلف بأداء الخمس»^[۷] ولی مفادش این نیست آن کسی که مکلف به ادای خمس است لازم نیست خمس بدهد. ایشان بیان مفصلی در این مورد دارند. مرحوم خوئی در کتاب خمس شان این روایات را بررسی کرده و چند وجه بیان کرده اند.

مرحوم سبزواری هم در کتاب خمس شان این مسئله را مطرح کرده و بیان نموده اند. بنده نیز در کتاب دانشنامه جهان اسلام^[۸] از آقای حداد عادل همین بحث - در ارتباط با این روایت و مسئله خمس - را مطرح کرده ام. و ضمناً تفصیل این تحقیق را در جلد اول کتابمان به نام «تا ظهور» مطرح کرده ام.^[۹]

آقای حسن زاده آملی به نقل از علامة شعرانی می فرماید: «الجزيرة الخضراء من بلاد الأندلس و الحکایة موضوعة لاریب فیه و کان الأصل فیها أن رجلاً سافر من المشرق إلى المغرب الأقصى علی عهد السلاطین العبییین قبل أن یملکوا مصر... و حکي هذا المسافر دولة اولاد المهدي الفاطمي محتمله بعض عوام الشيعة الاثني عشرية علی صاحب الامر»^[۱۰].

(داستان یعنی جزیره خضراء در بلاد اندلس جعلی و کذب است و شکی در آن نیست...).

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

[۱]. [ftnref1 #]. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹، باب ۲۴ نادر فی ذکر من رآه ع فی الغیبة الکبری قریباً من

زماننا

[۲]. [ftnref2 #]. حدیقه الشیعه، ج ۲، ص ۱۰۰۸

[۳]. [ftnref3_#]. حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۳۳۶

[۴]. [ftnref4_#]. وحید بهبهانی، حاشیه بر مدارک الاحکام، ج ۳، ص: ۱۸۷

[۵]. [ftnref5_#]. بحر العلوم، الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۱۳۶

[۶]. [ftnref6_#]. الذریعة - آقا بزرگ الطهرانی - ج ۵ - پاورقی ص ۱۰۶

[۷]. [ftnref7_#]. خوئی، مسائل و ردود، ص ۱۲۵ مسأله، ۳۵۱

[۸]. [ftnref8_#]. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۶: ۱۴۹.

[۹]. [ftnref9_#]. کتاب تا ظهور، ج ۲، ص ۴۱۱.

[۱۰]. [ftnref10_#]. هزار و یک نکته: ص ۸۱۲. نکته ۹۹۰. مرکز نشر فرهنگی رجاء چاپ ششم.

شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد

							
روایات الیمانی	جلسه بیست و چهارم - (به عربی)	جلسه ۴ بحث روایات ندای آسمانی = درس خارج مهدویت - ۱۹ / ۹ / ۹۰	صوت/کارگاه «مقتل شناسی امام حسین (ع)» با رویکرد نقد نظرات وهابیت سال ۱۳۹۳	جلسه ۴ بحث خروج. باجوج و مأجوج = درس خارج مهدویت - ۹۱/۰۱/۲۶	عضو جامعه مدرسین در گفت و گویا حوزه مطرح کرد: نداشتن شبکه ماهواره ای. یکی از کاستی های حوزه است	جلسه پنجم بحث قیام های قبل از ظهور = درس خارج مهدویت - ۹۲/۱۲/۰۴	جلسه هجدهم - درس خارج مهدویت - ۲۱ / ۸ / ۹۱

